



چرایی ضرورت حذف  
ارز ترجیحی  
۴۲۰۰ تومانی



ماجرای اصلاح پرداخت

یارانه ها و مردمی سازی

یارانه ها چیست؟

ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی

چه مشکلاتی داشت؟

---

اسجاد کمالی نیا،  
پژوهشگر اندیشکده راهبردی سعدها

---



بسیاری از مردم ایران، زمانی که از مرغ، تخم مرغ، روغن، نان و ... در سفره خود استفاده می کنند، شاید متوجه نباشند که دولت برای اینکه این کالا ارزان تر به دست مردم برسد، بودجه و مبلغی را به عنوان یارانه برای واردات بسیاری از کالاهای اولیه در نظر گرفته است.

اما سوال اینجاست این یارانه تا الان به چه صورت پرداخت می شده است؟

ماجرای اصلی که در این روزها کشور درگیر آن است، از این جا شروع می شود که در سال ۹۷ زمانی که نوسانات قیمت ارز به دلایل مختلف افزایش یافته بود، دولت آقای روحانی تصمیم گرفت برای کمک به معیشت مردم و اینکه قدرت خرید مردم برای خرید کالاهای اساسی کاهش پیدا نکند، نرخ را به عنوان ارز ترجیحی تعریف کرد و یک لیستی از کالاهای وارداتی نرخ ارز آن برای واردات به جای نرخ آزاد، نرخ ارز ترجیحی یعنی ۴۲۰۰ تومان به آن تعلق گرفت، که این لیست کالاهای در حال حاضر شامل ۸ قلم کالاهای اساسی مردم می شود.

در واقع زمانی که شما برای مثال به فروشگاه می روید و مرغ خریداری می کنید، ذرت مورد نیاز برای پرورش این مرغ را دولت با نرخ ۴۲۰۰ تومانی وارد کرده است، یعنی دولت، یارانه را به صورت پنهان در حلقه اول زنجیره تامین کالا در نظر گرفته است.

حال دولت سیزدهم تصمیم گرفته است به جای اینکه یارانه کالاهای اساسی را در ابتدای حلقه به کالاهای وارداتی تخصیص دهد، قرار است یارانه را در آخر زنجیره به خود مصرف کننده تخصیص دهد و این تصمیم بزرگ که جلوگیری از بسیاری از رانت ها، فساد ها و هدر رفت های درآمد های کشور است و بی شک با توجه به اینکه نرخ ارز وارداتی آن ها از ۴۲۰۰ تومان به ۲۳۰۰۰ تومان افزایش خواهد یافت، قیمت برخی کالاهای مانند روغن، تخم مرغ، مرغ، لبنیات و ... افزایش خواهد داشت که این افزایش قیمت ها، مستلزم اقدامات هوشمندانه ایجابی و سلبی جهت تامین معیشت مردم و جلوگیری از تورم است که بخشی از آن را دولت اعلام کرده است قرار است انجام دهد و بخشی دیگر نیز باید مطالبه شود تا انجام شود.

مهم ترین اقدامات ایجابی عبارتست از حمایت از مصرف کننده (پرداخت یارانه و تخصیص کالابری الکترونیکی به مردم)، حمایت از تولید کننده (پرداخت تسهیلات به تولیدکننده ها جهت خرید مواد اولیه با نرخ ارز جدید)، نظارت بر عدم افزایش قیمت دیگر کالاهای ...

حال سوال اینجاست مشکلات این نوع تخصیص یارانه با ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی که مبلغ کل آن در سال گذشته نزدیک به ۳۲۰ هزار میلیارد تومان بوده است، چیست که دولت سیزدهم تصمیم به تغییر در این فرآیند گرفته است؟

## مشکلات تخصیص یارانه با ارزش ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی

### ۱- پرداخت یارانه مردم مستضعف به پولدارها

زمانی که این یارانه به کالا تعلق می‌گیرد و در بازار، مردم با قیمت پایین تری به آن دسترسی دارند و آن فرد پولداری که درآمد بیشتری دارد می‌تواند بیشتر از یک فرد مستضعف از یارانه دولتی استفاده کند و این نوع نظام پرداخت اصلا به عدالت نزدیک نیست و این میلیاردها دلار یارانه به هدف اصلی خود که قشر مستضعف هستند، قطعا نرسیده است.

### ۲- ایجاد بستر رانت و فساد

توضیح مسئله فساد و رانت در ارزش ترجیحی را با این مثال توضیح می‌دهیم که مثل این است که شما در خانه را باز گذاشتید و گفتید دزد بیاید و اگر دزد آمد او را بگیرید، اما راهکار بهتر این است که راه ورود دزد را ببندید.

ارز ۴۲۰۰ تومانی یک بستر مناسب برای فساد و رانت است که در سال‌های اخیر پرونده‌های فساد متعددی، در این باره تشکیل شده است.

مسئله اینجاست که خیلی از شرکت‌ها و افراد، ارزش دولتی دریافت می‌کنند تا مواد اولیه برای تولید داخلی و کالاهای اساسی وارد کنند تا جنس با قیمت پایین تری به دست مردم برسد، اما تعدادی از این شرکت‌ها، موادی مثل آرد را مثلا با ارزش ۴۲۰۰ دریافت می‌کردند و بعد آن را با نرخ آزاد می‌فروختند، یا تبدیل به ماکارونی می‌کردند و با نرخ ارز آزاد صادرات می‌کردند یا قاچاق می‌کردند و نه تنها این یارانه به دست مردم نمی‌رسیده است بلکه زمینه‌ای برای چپاول و خروج یارانه از کشور بوده است و با تداوم این سیاست در واقع به مردم کشورهای منطقه یارانه می‌دهیم.

متأسفانه به دلیل نظارت ضعیف در این سال‌ها، برخی از شرکت‌ها و افراد بی‌دلیل، ارزش ۴۲۰۰ تومانی دریافت کردند و یا واردات بی‌رویه کردند، یا قرار بود کالاهای اساسی بیاورند، اما کالای دیگری وارد کردند، یا پول را گرفتند و در بازار به ارزش آزاد تبدیل کردند و یا قاچاق و صادرات کردند، پرونده‌های فسادى مانند:

- یک جوان دهه شصتی کارخانه بزرگ هفت تپه را به بهای اندک صاحب می شود. به بهانه وارد کردن ماشین آلات برای هفت تپه ۱,۵ میلیارد دلار ارز دولتی ۴۲۰۰ تومانی از بانک مرکزی می گیرد اما ارزشها را در بازار آزاد می فروشد...
  - حاج قربانعلی فرخزاد با پنج کلاس سواد ۴۴۶ میلیون دلار ارز دولتی ۴۲۰۰ تومانی می گیرد و ۲۰۱ میلیون دلار از این ارزشها را در بازار آزاد می فروشد و با پولی که به دست می آورد، ماشین سازی تبریز را از دولت می خرد...
  - ۱۵ وارد کننده کاغذ، ۴۵۰ میلیون دلار ارز ۴۲۰۰ تومانی می گیرند، تعدادی از آنها کاغذ را دولتی وارد کرده ولی با نرخ آزاد در بازار می فروشند و تعدادی دیگر بدون آنکه کاغذی وارد کنند، ارزشها را مستقیم در بازار آب می کنند. سه متهم اصلی این پرونده نیز از کشور می گریزند...
  - یک شبکه خانگی با ۱۶ متهم حقیقی و سه متهم حقوقی با ثبت سفارش برای واردات روغن ۱۵۰ میلیون دلار ارز دولتی می گیرند اما شماره حساب های مقصد مربوط به خودشان بوده و ارزشها را به حساب خود واریز و در امارات خرج می کنند. ارزش پرونده ارزی در بخش روغن در مجموع ۲۲۰ میلیون دلار اعلام می شود...
  - شرکت "سارا نمین" که تحت عنوان واردات گیاهان دارویی ثبت شده، پنج میلیون و ۶۰۰ هزار یورو ارز دولتی برای واردات برنج دریافت کرده
  - شرکت "رهروان خودرو پیشگامان نگین جنوب" با ارز دولتی چای و لوبیا چیتی وارد کرده است.
  - شرکت "رایانه همراه کیان" که در حوزه تلفن های همراه فعالیت دارد، با ارز دولتی چای ساز و قهوه ساز وارد کرده
  - شرکت "پترو یاس" نیز به عنوان یک شرکت نفتی با ارز ۴۲۰۰ تومانی خوراک دام وارد کرد  
و نمونه های متعدد دیگر
- بعضی از بررسی ها نشان می دهد، اینکه یک شرکت تولیدی ۵۰ هزار میلیارد تومان در یک سال سود می کند، منشا آن قطعا ناشی از فعالیتش نبوده بلکه به خاطر آن بوده که مواد اولیه و خدمات ارزان و یارانه ای دریافت می کرد و آن را به صورت آزاد می فروخت یا صادر می کرد.
- این رانت ها تا حدی بوده است که ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار میلیارد تومان انحراف و رانت گزارش شده است.

این ها بخشی از بیش از ۱۲۴۸ پرونده تشکیل شده در حوزه مفاسد ارزی است که بیش از ۵۵۵ نفر در ارتباط با این پرونده ها دستگیر شدند و ارزش مالی این پرونده ها نیز بیش از ۱۰ میلیارد دلار اعلام شده است.

### ۳- تمایل به قاچاق و واردات به جای تولید

در واقع با این نوع قیمت گذاری ارزی، دولت در حال پرداخت یارانه به کالاهای وارداتی است و این موضوع باعث می شود کالاهای وارداتی در مقایسه با کالاهای تولید داخل مشابه ارزان تر تمام شود و نه تنها تولید آن برای تولیدکننده صرفه ای ندارد بلکه تمایل مصرف کننده به سمت آن نیز بیشتر شود.

برای مثال، قیمت مرغ را به صورت دولتی پایین نگه می دارید که اکثر آن هم وارداتی است و این تولید کننده خارجی است که سود می برد.

به مثال آن دقت کنید

یک مرغدار برای اینکه ذرت مورد نیاز برای تغذیه مرغ های خود را تامین کند، باید ابتدا درخواستی برای تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی بدهد که متأسفانه به دلیل بروکراسی ها معلوم نیست کی به دستش برسد و حالا او برای اینکه تغذیه مرغش را تامین کند تا زمانی که ذرت دولتی به دستش نرسد مجبور است از ذرت آزاد استفاده کند اما مرغ را باید به قیمت دولتی بفروشد که برایش صرفه ای ندارد و حالا آن زمانی که ذرت دولتی به دستش رسید، برای اینکه سود کند ذرت را یا به نرخ آزاد میفروشد یا صادرات و قاچاق می کند. نکته بعد اینکه تولید کننده زمانی که مشاهده می کند، تمام هزینه های دیگرش از جمله بیمه، حمل و نقل و ... با نرخ آزاد محاسبه می شود و قیمت تمام شده برای او از قیمت مرغ وارداتی بیشتر می شود، واردات و قاچاق را برای سود اقتصادی، مناسب تر از تولید می بیند.

### ۴- کسری بودجه و افزایش تورم

دولت در سال های اخیر برای تامین یارانه واردات کالاهای اساسی با نرخ ۴۲۰۰ تومانی با محدودیت مواجه شده و ناترازی بودجه به شدت افزایش یافته است و نه تنها مجبور شده از صندوق توسعه ملی کمک بگیرد بلکه از ذخایر ارزی نیز استفاده کرده است و بدهی ایجاد کرده است و این استقراض ها خود باعث ایجاد کسری بودجه و در نهایت تورم شده است.

## ۵- تحریم پذیر بودن واردات

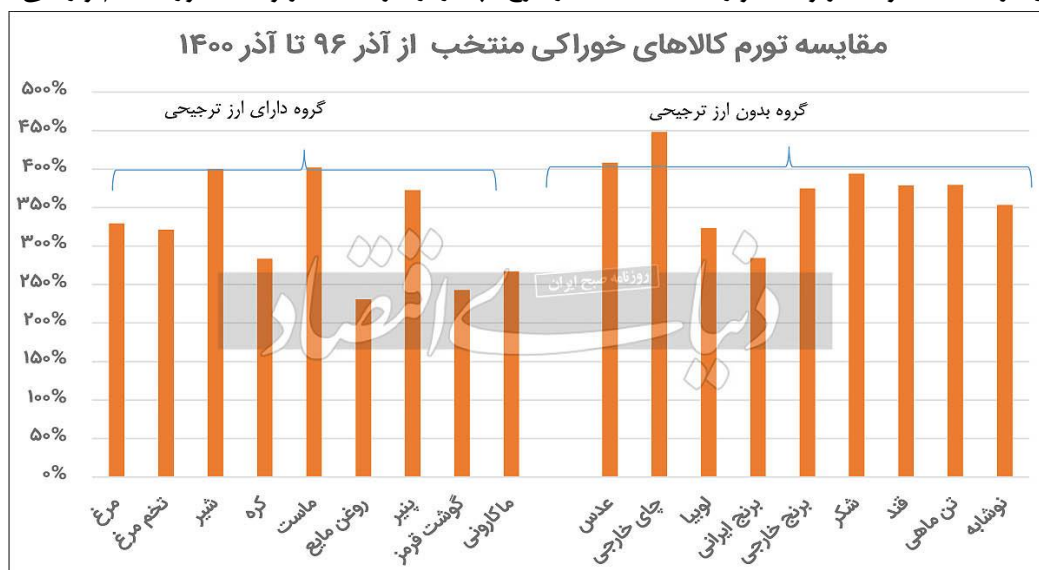
وقتی واردات با این ارز تخصیص داده میشود، این کاملا تحریم پذیر می شود. مسیری است که کاملا تحت رصد کشورهای دیگر از جمله آمریکا است. دولت با تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی، بقیه کانالها را با مشکل مواجه می کند. اگر کسی ریسک های دیگر را بخواهد بپذیرد و خودش ابتکاری داشته باشد تا تحریمها را دور بزند، چون ارز وارداتی اش با نرخ ۴۲۰۰ تومان نیست و با نرخ بازار آزاد باید واردات کند، قدرت رقابت ندارد و عملا این مسیر را از دست می دهیم و کاملا وارداتمان زیر نظر سایر کشورها خواهد بود.

## ۶- افزایش قیمت کالاهای اساسی با وجود تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی

دولت می خواست کالای اساسی مورد نیاز مردم و به ویژه اقشار ضعیف جامعه را با قیمت ارزان در اختیار آنها قرار دهد. در این زمینه باید گفت تخصیص این ارز به آن هدف که دولت داشت، اصابت نکرده یعنی کنترل قیمت رخ نداده است. مثالهای متعددی هم می توان برای این موضوع زد. مثلا حدود ۲۴۰ تا ۲۵۰ درصد به طور متوسط افزایش قیمت کالاهای اساسی از فروردین ۹۷ تا شهریور ۱۴۰۰ داشته ایم.

در حالی که شاخص قیمت در این مدت کمتر از ۲۰۰ درصد رشد داشته است. ما حتی کالاهایی که ارز ۴۲۰۰ تومانی پرداخت کرده ایم، بیش از تورم افزایش پیدا کرده است. البته در مقایسه با شاخص تورم کالاهای خوراکی ممکن است این فاصله کمتر باشد؛ ولی به هر حال نسبت به شاخص کل، افزایش قیمت بیشتری رخ داده است.

مسئله اینجاست که چند درصد از هزینه های تولید مربوط به واردات است مثلا در مرغ، چقدر از هزینه ها مربوط به خوراک دام وارداتی



است؟ بقیه هزینه ها که با ارز ۴۲۰۰ تومان نیست. پس شما به قیمت مرغ نمی توانید بگویید به خوراک مرغ ارز ۴۲۰۰ تومانی می دهیم پس نباید گران شود.